

از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی رویکردها و تجربه‌های جهانی

حامدالدین آشنا

با همکاری:

عباس آخوندی

هادی اسماعیلی

محمدصادق اسمعیلی

رضا افخمی

محمد مدحت حسن پور

محمدعلی روحانی

حسن خراز

ابراهیم خیاض



سرشناسه

آشنا، حسام‌الدین. ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور

از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی: رویکردها و تجربه‌های جهانی/حسام‌الدین آشنا؛ با همکاری عباس آخوندی...[و دیگران].

مشخصات نشر

تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری

۳۳۵ ص: مصور.

فروست

فرهنگ و جامعه.

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۲۳-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت

با همکاری عباس آخوندی، هادی اسماعیلی، محمدصادق اسمعیلی، رضا افخمی، محمدمحسن حسن‌پور...

یادداشت

کتابنامه: ص. ۴۱۱.

موضوع

سیاست فرهنگی

موضوع

Cultural policy

شماره افزوده

آخوندی، عباس، ۱۳۳۶ -

شناسه افزوده

Ahmad Akhondi, Abbas

سازمان

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

رده بندی کنگره

۱۳۹۶ س ۹/۴۷/۶۲۱ HM

رده بندی دیبا

۳۰۶

شماره کتابشناسی ملی ۴۹۹۱۳۷۱



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
دفاتر کتاب و اسناد ملی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

عنوان: از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی: رویکردها و تجربه‌های جهانی

نویسنده: حسام‌الدین آشنا و همکاران

صفحه‌آرا: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۱۲۳-۹

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
Email: nashr@ricac.ac.ir ۸۸۸۹۳۰۷۶ دورنگار: ۸۸۹۰۲۲۱۳. تلفن: ۱۴۱۵۵۰۶۲۷۴

فهرست مطالب

مقدمه ۱

بخش اول: بنیادهای نظری

فصل اول: از انسان‌شناسی فلسفی تا فلسفه فرهنگ ۱۵

فصل دوم: سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی: رویکردهای جهانی ۹۹

بخش دوم: تعاریف و روش‌شناسی تولید شاخص‌های فرهنگی

فصل سوم: تعاریف و سطوح شاخص‌های فرهنگی ۱۶۳

فصل چهارم: روش‌شناسی تولید شاخص‌های فرهنگی ۱۹۱

بخش سوم: تجربه‌های جهانی شاخص‌های فرهنگی

فصل پنجم: بررسی و نقد مدل مفهومی چارچوب پیشنهادی یونسکو ۲۳۱

فصل ششم: بررسی و نقد شاخص‌های فرهنگی منطقه‌ای ۲۵۰

فصل هفتم: شاخص‌های فرهنگی در سطح ملی و محلی ۳۵۱

فهرست منابع ۴۱۱

مقدمه

مجموعه سه جلدی «از سیاست گذاری و سنجش فرهنگی» حاصل یک تجربه دانشگاهی است که هدف آن طراحی پارچوبی بومی در عین حال قابل مقایسه در سطح بین المللی برای سنجش عملکرد و آثار سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران است. این تجربه تحت عنوان برنامه پژوهشی بازنگری «شاخص های فرهنگی ایران» با حمایت اختصاری «شفا» حاصل تعامل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دانشگاه امام صادق (ع) است. طراحی چنین چارچوبی امری ساده و ممتنع است. از یک طرف، ساده است چراکه نمونه های ملی و بین المللی آن وجود دارد. از طرف دیگر طراحی آن برای جمهوری اسلامی ایران مشکل می نماید چراکه تلاش های متعدد برای تدوین چارچوب و شاخص های ایرانی و اسلامی سیاست گذاری فرهنگی تاکنون مورد اجماع صاحب نظران و سیاست ورزان حوزه فرهنگ قرار نگرفته است. چرایی این عدم اجماع شاید علاوه بر دلایل علمی و اجرایی، به فضای

پر ابهام در نسبت دولت و فرهنگ در ایران بازگردد؛ هرچند به نظر می‌رسد چالش نظری اخیر در کوتاه‌مدت قابل تدبیر نباشد اما بیش از این نمی‌توان ارزیابی میزان حصول به اهداف و ترسیم روندهای سیاست‌گذاری فرهنگی را نادیده گرفت.

«شفا» برای پرهیز از دچار شدن به سرنوشت نمونه‌های مشابه ۴ تدبیر را دنبال کرده است که امید است از نظر محتوا و روش مورد توجه سایر پژوهشگران نیز قرار گیرد؛ ۱. توجه به مبانی نظری و پیش‌فرض‌های محتمل در تولید چارچوب‌های سنجش فرهنگی به معنی توجه به فلسفه فرهنگ و انسان‌شناسی فرهنگی و همچنین رویکردهای سیاست فرهنگی ۲. اتخاذ روش‌شناسی مناسب و در نظر گرفتن محدودیت‌های روشی متعارف ۳. مطالعه تجربه‌های پیشین در تولید شاخص‌های فرهنگی از دیگر تدابیر است. این تجربه‌ها منحصر به نمونه‌های ملی و بین‌المللی موجود نیست بلکه پژوهش‌های داخلی مشابه را نیز در نظر می‌گیرد. بهره‌گیری حداکثری از پژوهش‌های پیشینی در جمهوری اسلامی ایران به ریژن‌گر و به‌رویه از این پژوهش‌ها که به مرحله تولید داده و آماره رسیده‌اند، امکان تولید شاخص‌های روندی^۱ و ترسیم وضعیت فرهنگی در گذر زمان را فراهم می‌کند. این مزیت می‌تواند حتی ضعف تئوریک یک شاخص را تا حدود زیادی جبران نماید. ۴. اتخاذ رویکرد استقرایی در تولید چارچوب ملی به این معنی که هرچند رویکردهای ترسیم و تعریف فرهنگ شروع می‌کنند و به حوزه‌های سیاست‌گذاری و سنجش فرهنگی ختم می‌شوند اما در این پژوهش مسیری معکوس پیموده شده است و مصادیق سیاست فرهنگی در جهان و ایران به دقت استخراج و دسته‌بندی گردیده است. چارچوب

نهایی، نه یک الگوی صرفاً نظری بلکه تلفیقی از مبانی نظری و تجربه‌های عملی در جهان و جمهوری اسلامی ایران است.

به این ترتیب، جلد اول این مجموعه به مبانی نظری و روشی و بررسی تجربه‌های جهانی تولید چارچوب‌های و شاخص‌های فرهنگی اختصاص دارد. جلد دوم، تجربه جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌گذاری، تولید شاخص و آماره‌های فرهنگی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و جلد سوم به ارائه چارچوب پیشنهادی اختصاص می‌یابد.

کتاب پیش‌رو به جلد اول از این مجموعه سه جلدی است به مبانی نظری و روشی و همچنین مطالعه تجربه‌های ملی و بین‌المللی اختصاص یافته است. این کتاب از سه بخش و هفت فصل تشکیل شده است: بخش اول «بنیادهای نظری» نام دارد. شاخص‌های فرهنگی، ابزارهای ارزیابی سیاست‌گذاری فرهنگی است. شاخص‌های فرهنگی، قائم به ذات نیست و به فرض ارتباط نداشتن با سیاست، بی‌فایده است. پس شاخص‌سازی در هر یک از حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی و اجتماع حوزه فرهنگ، با هدف ارزیابی سیاست‌ها تدوین و سنجش می‌شود. اهمیت و گستره سیاست‌های فرهنگی، چارچوب‌های سنجش را مشخص می‌کند. اما گستره و نوع سیاست فرهنگی، خود تابع الگوی حکمرانی است. تعریف دولت^۱، محدوده عمل آن و همچنین نه رابطه دولت و مردم، مشخص‌کننده شیوه و حیطه مداخله دولت در فرهنگ است و این امر در نظام فلسفی و انسان‌شناختی یک جامعه تعریف می‌شود. تفاوت حکومت‌ها از جغرافیا و تاریخ و مبانی فلسفی جمعی سرچشمه می‌گیرد. فرهنگ در این معنا هم حاکم بر نظام‌های اندیشه‌ای و سازنده ساختارهای حاکمیتی و هم

موضوعی برای مداخله و تأثیرگذاری از سوی دولتمردان و حاکمان است. نیم‌نگاهی به مفاهیم تحدیدکننده شاخص‌سازی موضوع بخش اول کتاب، خواهد بود که از دو فصل تشکیل شده است. فصل اول، با عنوان «از انسان‌شناسی فلسفی تا فلسفه فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران» مرور فشرده مبانی فلسفی و انسان‌شناختی سیاست فرهنگی در دوره مدرن است. کوشش نظری نویسندگان، انسان‌شناسی فلسفی آغاز می‌شود و از مسیر شناسایی تفاوت میان فلسفه‌های فرهنگ در نهایت به سیاست‌گذاری فرهنگی می‌رسد. پس از ترتیب که هر سیاست فرهنگی، برگرفته از مجموعه بینش‌ها و ارزش‌ها درباره انسان به ما هو انسان و انسان در مقام سوژه فرهنگ است. بر اساس این پیش‌فرض و برای رسیدن به فرایند سیاست‌گذاری و حصول مجموعه‌ای از سیاست‌ها، بایستی نوع نگاه خویش به انسان و فرهنگ را به تتبع و تدقیق فلسفی وانهیم. در این مجموعه، سعی شده است با تأمل نظری و بنا به گفته ویلهلم دیلتای هم‌دلانه مقوله انسان و فلسفه، ردپای انسان‌شناسی فلسفی و فلسفه فرهنگ را در مغرب زمین و به‌ویژه در آلمان و فلاسفه‌ای چون هایدگر، گادامر و کاسیرر، بجوئیم تا به مفاهیم و سررشته‌های دقیق و تتبع فلسفی در خصوص مقوله انسان و فرهنگ دست یابیم. در حقیقت در نهایت به تعریف و تشخیص مقوله سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری فرهنگی و نسبت آن با بینش‌ها و ارزش‌های فلسفی درباره انسان به ما هو انسان و انسان در مقام سوژه فرهنگ هم در مغرب زمین و هم در نگاه خاص جمهوری اسلامی ایران به انسان و فرهنگ پرداخته‌اند. آقایان ابراهیم فیاض، هادی اسماعیلی و محمدرضا روحانی در نگارش این فصل مشارکت داشته‌اند.

در فصل دوم، با عنوان «سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی؛

رویکردهای جهانی «گفتمان‌های اصلی سیاست فرهنگی در مغرب زمین، بررسی می‌شود. لیبرالیسم و اومانیسم، گفتمان‌های اصلی در شکل‌گیری نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی است که در بسیاری از جوامع غیر غربی نیز تکثیر شده است. تأثیر این گفتمان‌ها بر سیاست‌گذاری فرهنگی در نمونه بریتانیای بعد از جنگ جهانی دوم، بررسی شده است. پس از این رویکرد کلان‌گر، تعریف و تمیز سیاست و سیاست‌گذاری فرهنگی از موارد مشابه بررسی می‌شود. گفتمان‌های سیاست‌گذاری فرهنگی با عنوان رویکردهای کلان سیاست فرهنگی در جهان غربی، موضوع بررسی بعدی است. این گفتمان‌ها، حیطه‌های مداخله و شیوه‌های اعمال بخش فرهنگ را مشخص می‌سازد. چون کشورهای مدرن غربی، ریشه فلسفی مشترکی دارند، تنوعی از تعاریف و حوزه‌های مداخله دولت در فرهنگ قابل مشاهده است که در قالب گفتمان‌ها، تعاریف، فهم آن میسر می‌شود. ادامه بحث به رویکردهای راهبردی سیاست فرهنگی اختصاص دارد. این رویکردها ابزار مناسبی برای فهم تفاوت‌های سیاست فرهنگی در کشورهای مختلف جهان و در نظر گرفتن برخی دو قطبی‌ها در مباحث سیاستی - مثل دو حد افراطی یعنی عدم دخالت دولت در بخش فرهنگ و کنترل دولت بر سابع فرهنگ است. هر یک از این رویکردها، طیفی از انتخاب‌های راهبردی را تشکیل می‌دهد. البته احتمال اینکه دولتی بخواهد سیاست فرهنگی خود را به یکی از این دو ورطه بسپارد در دنیای امروز رو به کاهش است، ولی تعیین جایگاه مطلوب و نقطه تعادل بین دو قطب متناسب با شرایط محلی، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. تعیین جایگاه یک کشور در میانه این طیف برای مجموعه این بیست و یک رویکرد، تصویر سیاست فرهنگی آن

کشور را نمایان می‌سازد. تکمله بحث، تأثیر فرافرهنگی سیاست فرهنگی است. سیاست فرهنگی می‌تواند تأثیر فرابخشی داشته باشد. دو زیرعنوان «فرهنگ و شهرهای خلاق» و «فرهنگ و ایده حکومت کل‌نگر» نمونه‌ای از آثار فرافرهنگی سیاست فرهنگی را نمایش می‌دهد. خاتمه فصل نیز به آینده سیاست فرهنگی اختصاص دارد. البته این پیش‌بینی از نگاه غربی و معطوف به وضعیت مقایسه‌ای سیاست فرهنگی در اروپای قاره‌ای و امریکای شمالی است.

آنتونین حسین سرفراز و محمدصادق اسمعیلی در نگارش این فصل مشارکت داشته‌اند. همچنین بخش اخیر فصل دوم، شامل رویکردهای سیاست فرهنگی و تأثیر فرافرهنگی سیاست فرهنگی، خلاصه و بازوبندی ترجمه سه مقاله مطرح در این حوزه است. ترجمه این مقاله‌ها توسط آقای عباس آخوندی انجام شده است. بخش دوم «تعاریف و روش‌شناسی تولید شاخص‌های فرهنگی» نام دارد. روش و الزام‌های تولید شاخص، افزون بر پیچیدگی‌های نظری پیش‌گفته محدودیت‌های روشی قابل توجهی نیز دارد. در این بخش تعریف شاخص فرهنگی دقیق شده و روش‌های عملی تولید شاخص مطلوب، نشان داده می‌شود. فصل سوم و چهارم کتاب زیرجمعه این بخش است. فصل سوم «تعاریف و سطوح شاخص‌های فرهنگی» نام دارد. مفهوم شاخص سیاستی در این فصل تعریف شده است و به ارتباط تنگاتنگ شاخص، سیاست و همچنین ماهیت ارزیابانه شاخص، توجه شده است. مبحث بعدی، شناسایی و معرفی انواع شاخص‌های فرهنگی است، ماهیت پیچیده فرهنگ، طیفی از شاخص‌ها را می‌طلبد، برخی شاخص‌ها کمی و برای عملکردهای مالی بخش فرهنگ است؛ برخی دیگر، رفتارها و

فعالیت‌های فرهنگی را می‌سنجد و نوع پیچیده‌تر آن معطوف به ارزیابی تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های عموم افراد جامعه است. همین‌طور سطوح سیاست فرهنگی و به تبع آن سطوح شاخص‌ها متفاوت است. شاخص‌های راهبردی، برای سنجش سیاست‌های کلان، شاخص‌های میانی و خرد، برای ارزیابی سطوح عملکردی قابل طراحی است. در ادامه، ویژگی‌های شاخص مطلوب، بررسی می‌شود که با رویکرد استقرایی، مهم‌ترین ویژگی‌های شاخص مطلوب فرستاده شده است. تکمله فصل، ارائه یک نمونه شاخص‌سازی با استفاده از روش تحلیل عاملی برای موضوع دین‌داری است. نیز نمونه، پیچیدگی مفهوم‌پردازی و طراحی شیوه سنجش برای یک شاخص فرهنگی را نشان می‌دهد.

فصل دوم، با عنوان «روش‌های تولید شاخص‌های فرهنگی» نگاهی جزئی‌تر به فرایند تولید شاخص‌ها، عوامل دخیل در آن دارد. مراحل تولید شاخص فرهنگی عنوان دیگری است که راهنمای عملی برای تولید شاخص ارائه می‌کند. مفاهیم سازی، گزینش شاخص‌ها، تعریف و توصیف شاخص، جمع‌آوری داده‌ها برای شاخص‌ها و ارزیابی مداوم، پنج مرحله اساسی تولید شاخص است. موضوع بعدی کیفیت داده‌ها و آماره‌های فرهنگی است. البته منظور معیارهای تولید داده‌های باکیفیت است، نه تولید داده‌های کیفی، چون در اصل شاخص‌های سیاستی ابزارهای کمی و متکی به داده‌های آماری تلقی می‌شود. تولید شاخص‌های سیاستی مبتنی بر روش‌های کیفی چندان مرسوم و مقدور نیست. ادامه فصل چالش‌ها و مسائل پیش‌روی شاخص فرهنگی را به تفصیل بیان کرده است؛ ابتدا متقاعد کردن سیاست‌گذاران است، زیرا لبه تیز انتقادی نتایج شاخص‌ها معطوف به ایشان است. وجود یا تأسیس نظام پشتیبان آمار فرهنگی شرط لازم عملیاتی

شدن شاخص‌هاست. از سوی دیگر، نظام آماری بدون اطمینان عمومی کارایی ندارد، به‌ویژه در موضوع فرهنگ که مستلزم آشکار شدن درونیات فردی است. در نهایت، طراحی چارچوب منسجم و قابل اندازه‌گیری ظرافت درخور توجهی دارد. گستردگی موضوع‌های فرهنگی و تنوع فهم سیاسی از مقوله فرهنگ، اهمیت و پیچیدگی تولید یک چارچوب متقن را دوچندان می‌کند. در ادامه می‌نگاهی به محدودیت‌ها و نواقص آمارهای فرهنگی در ایران داریم که خاتمه فصل چهارم و بخش دوم کتاب است. نگارش دو فصل اخیر ب عهده آقای رضا افخمی بوده است.

بخش سوم «تجربه‌های جهانی شاخص‌های فرهنگی» نام دارد. نهاد بین‌المللی، سازمان‌های منطقه‌ای و دولت‌های ملی به تولید شاخص‌های فرهنگی مبادرت ورزیده‌اند. سه فصل نهایی کتاب، به بررسی تجربه شاخص‌گذاری فرهنگی در سطوح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی اختصاص دارد.

فصل پنجم، به معرفی ارزیابی تجربه یونسکو، متولی بین‌المللی مطالعات سیاست‌گذاری و سنجش فرهنگی، اختصاص دارد. این سازمان، سابقه‌ای قابل توجه در تدوین چارچوب‌های آماری بخش فرهنگ، تهیه پرسشنامه‌ها، مه‌ها، مه‌ط و ارسال آن به کشورها و انتشار نتایج به صورت سالانه دارد. داده‌های این نهاد، امکان گسترده‌ای برای مطالعات تطبیقی در حوزه فرهنگ پدید می‌آورد. یونسکو در سال ۲۰۰۹ میلادی چارچوب آمارهای فرهنگی خود را بازبینی و نهایی کرد. در این فصل به فرایند تدوین این چارچوب، توجه شده است. تعریف فرهنگ، مصادیق آن و نگاه بخشی به فرهنگ از سوی یونسکو، هم‌نشان‌دهنده رویکرد این نهاد متولی به مقوله فرهنگ و هم‌ناشی از محدودیت‌های تهیه یک چارچوب در سطح بین‌المللی است. تلاش‌های یونسکو

در نهایت یک رویه محدود و سطحی از فرهنگ را هدف قرار می‌دهد؛ اما در مقابل، امکان مقایسه وسیع در سطح جهانی را فراهم می‌آورد. در مجموع، مطالعه چارچوب یونسکو هم از منظر روشی، مفید است و هم طراحی چارچوب ایرانی با عطف توجه به آن فواید مهمی دارد؛ از جمله اینکه بخشی از داده‌های فرهنگی ایران را قابل ارائه در سطح بین‌المللی می‌گرداند که در نهایت، در طبقه‌بندی‌های جهانی رتبه جمهوری اسلامی ایران را ارتقاء می‌بخشد. نگارش این فصل توسط آقای محمد محسن حسن‌پور انجام شده است.

فصل ششم «بررسی و نقد شاخص‌های فرهنگی منطقه‌ای» است. اتحادیه اروپا و سازمان کنفرانس اسلامی، دو نهاد منطقه‌ای انتخاب و فعالیت‌های آن در دو موضوع شاخص‌های فرهنگی بررسی شده است. اتحادیه اروپا، در لحاظ قدمت و قوت، البته قابل مقایسه با هیچ نهاد منطقه‌ای دیگری نیست. این اتحادیه، ساختارهای نهادینه شدیدی در حوزه سیاست‌گذاری و سنجش فرهنگی دارد. برخی اعضای آن همچون فرانسه نیز در عرصه سیاست فرهنگی و تولید آمارهای فرهنگی در سطح جهانی پیشگام بوده‌اند. بررسی همه‌جانبه فعالیت‌های فرهنگی اتحادیه اروپا، پژوهش جداگانه‌ای است. به فراخور بحث، در این فصل به فعالیت‌های فرهنگی اتحادیه اروپا اشاره شده است. سازمان کنفرانس اسلامی و نهاد علمی، فرهنگی و آموزشی وابسته به آن با نام مخفف آیسسکو، موضوع بررسی بعدی این فصل است. تلاش شده است شیوه مواجهه این سازمان - که جمهوری اسلامی ایران نیز از اعضای فعال و تأثیرگذار آن است - با مقوله فرهنگ بررسی شود. آیسسکو ۱۷ شاخص فرهنگی تصویب کرده است. این شاخص‌ها در ادامه این فصل به تفصیل

معرفی و ارزیابی شده است. یک نگاه اجمالی نشان می‌دهد نبود چارچوب نظری، قابلیت تفسیری این شاخص‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد اصول پیش‌گفته در بخش دوم کتاب، چندان در طراحی این شاخص‌ها استفاده نشده است. همه این موارد سبب می‌شود، عملیاتی شدن و تداوم سنجش این شاخص‌ها با مشکل مواجه شود. آقای محمدرضا روحانی در نگارش این فصل سهیم بوده است.

فصل هفتم «شاخص‌های ملی و محلی» خاتمه بخش سوم و نهمین کتاب پیش‌روست. در این فصل، به تجربه‌های متعدد ملی و محلی در تولید چارچوب‌های سنجش فرهنگی توجه شده است. در بسیاری از کشورها، افزون بر دولت‌های ملی، دولت‌های منطقه‌ای یا محلی، اختارهای وسیعی در سیاست‌گذاری فرهنگی دارند. همچنین پیش از دولت‌های ملی، مجموعه‌های حاکمیتی در سطح محلی، به تربید شاخص‌های فرهنگی، توجه داشته‌اند؛ به‌ویژه آنکه کارایی و دقت در هزینه‌های دولت‌های محلی، بسیار رصد می‌شود. همچنین تأثیر سیاست‌های فرهنگی دولت‌های ملی و محلی بر بهبود کیفیت زندگی و احساس رضایت از زندگی، هم بسیار پژوهش و هم به سبب تناسب هزینه‌ها و نتایج بررسی می‌شود. شاخص‌های فرهنگی ابزار سنجش این تناسب است و به همین دلیل در طراحی و سنجش شاخص‌های فرهنگی دقت می‌شود. در این فصل، شش کشور بررسی شده است، چهار مورد اول به صورت تفصیلی و دو مورد اخیر به صورت خلاصه، موضوع بررسی بوده است. استرالیا و نیوزیلند به عنوان دو نماد مطرح در طراحی شاخص‌های فرهنگی در سطح ملی قلمداد می‌شود. به دلایل تاریخی و سیاسی، موضوع هویت فرهنگی برای این دو، به‌ویژه پررنگ است. در مقابل فعالیت

دولت‌های محلی در سنجش سیاست‌های فرهنگی در انگلستان مشهود است. همچنین تأثیر چارچوب‌های شاخص‌های فرهنگی در انگلستان بر مدل نهایی یونسکو به وضوح قابل مشاهده است. فرانسه، در مقایسه با دیگر کشورها، سابقه‌ای طولانی‌تر در جمع‌آوری آمارهای فرهنگی دارد. این سابقه و تداوم آن در گسترش ساختار به درستی طراحی شده و توسعه یافته نظام آماری آن کشور است. تولید مستمر داده‌های فرهنگی، امکان مقایسه بین مقاطع زمانی، تفسیر و تحلیل شاخص‌ها را فراهم می‌کند. کانادا نیز توجه و پشتکار ویژه‌ای به سیاست و سنجش فرهنگی دارد. پژوهش‌های فرهنگی متنوع و چارچوب‌های به روز و منعطف ویژگی بارز بخش این کشور در موضوع مورد بررسی است. خاتمه فصل، تبیین نقش حوزه کلان طراحی شاخص‌های فرهنگی است. این بخش بر سه اصل و نتیجه مطالعه مجموعه وسیعی از تلاش‌های تولید شاخص‌های فرهنگی در سطح ملی و محلی است. آقای محمد محسن حسن پور در نگارش این فصل مشارکت داشته است.

در پایان ضمن تشکر از تمامی پژوهشگران و همکارانی که در برنامه ملی «شاخص‌های فرهنگی ایران» نقش ایفا کرده‌اند به ویژه از زحمات آقای محمد محسن حسن پور قدردانی می‌کنیم که در مدیریت اجرایی، برگزاری همایش «نظام سنجش و ارزش حوزه فرهنگ و ارتباطات» و تدوین محصول نهایی این پروژه در قالب کتاب، نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند.

ولله الحمد اولاً و آخراً

حسام‌الدین آشنا

شهریور ۱۳۹۶